

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 20, No. 7, Autumn 2020, 1-23  
Doi: 10.30465/crts.2020.24904.1508

## **Turning from the Body as a Theological Matter to a Socio-cultural Approach to It A Study on *Cultural History of Body in Iran***

Mohammad Amir Ahmadzadeh\*

### **Abstract**

Socio-cultural reading is one of the most important approaches in cultural history, which is highlighted in the book *"An Introduction to the Cultural History of the Body in Iran"*. In this article, the methodology and content of the text begin with the question of how the use of discourse approach in the cultural history of the body has an impact on the authors of the book and their reading of the sources and events of Iranian history and to find out its strengths and weaknesses. By using a critical approach and historical analysis, the discussion can be achieved in an attempt to formulate a new history of Iran, provide a different interpretation of the understanding of history, highlight the sociological approach and cultural studies of the body, interpret the cover as cultural, political and religious mentioned the use of literary and illustrated sources with the aim of strengthening the socio-cultural history approach. However, the universal and detailed view as a result of the dominance of the holistic and theory-based approach in the text of the work is impaired, and several historical data can be presented that challenge the inference of the authors of the book. On the other hand, the four divisions of the historical periods of Iran into the imperial era, the constitutional era, the modern era, and the religious era in different seasons have serious problems and do not correspond to the periods of Iranian history.

**Keywords:** Cultural History, Body Sociology, Critical Approach, Contemporary Iran.

---

\* Assistant Professor of Cultural History, Faculty Member of Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, ahmadzadeh@ihcs.ac.ir

Date received: 2020-03-17, Date of acceptance: 2020-08-01

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## چرخش از بدن به مثابه امر الهیاتی به سوی رویکرد فرهنگی - اجتماعی به آن مطالعه‌ای در باب درآمدی بر تاریخ فرهنگی بدن در ایران

محمدامیر احمدزاده\*

### چکیده

خوانش فرهنگی - اجتماعی یکی از مهم‌ترین رویکردهای تاریخ فرهنگی است که در کتاب درآمدی بر تاریخ فرهنگی بدن در ایران بر آن تأکید شده است. در این نوشتار، بررسی روش‌شناسی و محتوای متن اثر یادشده با این پرسش آغاز می‌شود که بهره‌گیری از رویکرد گفتمانی در تاریخ فرهنگی بدن چه تأثیری در نگاه مؤلفان کتاب و خوانش آنان از منابع و رخدادهای تاریخ ایران داشته و ضعف‌ها و قوت‌های آن کدام است؟ با به‌کارگیری رویکرد انتقادی و تحلیل تاریخی، می‌توان دستاورد بحث را چنین برشمرد: تلاش برای صورت‌بندی جدیدی از تاریخ ایران، ارائه تفسیری متفاوت از فهم تاریخ، برجسته‌سازی رویکرد جامعه‌شناختی و مطالعات فرهنگی بدن، تفسیر پوشش به مثابه امر فرهنگی، سیاسی و دینی، و بهره‌گیری از منابع ادبی و مصور با هدف تقویت رویکرد تاریخ اجتماعی - فرهنگی. اما نگاه جهان‌شمول و جزئی‌نگر، در نتیجه غلبه رویکرد کل‌نگرانه و نظریه‌محور در متن اثر، دچار خدشه است و می‌توان داده‌های تاریخی متعددی را مطرح کرد که استنتاج مؤلفان کتاب را با چالش مواجه کند. از سوی دیگر، تقسیم‌بندی‌های چهارگانه از ادوار تاریخی ایران به عصر امپراتوری، عصر مشروطیت،

---

\* استادیار تاریخ فرهنگی، عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، m.ahmadzadeh@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۱

عصر مدرنیته، و عصر دین در فصول مختلف، اشکال جدی دارد و با ادوار تاریخ ایران چندان منطبق نیست.

**کلیدواژه‌ها:** تاریخ فرهنگی، جامعه‌شناسی بدن، رویکرد انتقادی، ایران معاصر.

## ۱. مقدمه

تاریخ فرهنگی بدن به تحلیل و مقایسه کنش‌های جسمانی در متن اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌پردازد. تا پیش از ظهور جامعه‌شناسی، مطالعه در باب بدن در ذیل مباحث الهیات دینی قرار داشت و اغلب به جسم و تن انسان با نگاهی منفی و به‌مثابه عامل گناه و کج‌روی نگریسته می‌شد. این نگاه باعث طرد و سرکوب بدن در حوزه نیازهای جسمی و جنسی انسان شد و در تاریخ قرون وسطای اروپا می‌توان نمونه‌های فراوانی از ستم به جسم و رفتار نادرست با بدن انسان یافت (وارن ۱۳۹۶: ۸-۱۱؛ براینت ۱۳۵۴: ۱۴۳-۱۵۷). الهیات مسیحی به بدن انسانی توجه جدی داشت و به آن به‌مثابه پله ترقی روح می‌نگریست، اما این نگاه نتوانست به رشد ادبیات جامعه‌شناسی بدن بینجامد. تا این‌که، در عصر روشن‌گری و نیز با ظهور جامعه‌شناسی، موضوع بدن به‌مثابه مسئله‌ای درخور توجه در ادبیات فمینیستی و پس‌اساختارگرایی بازنگری شد (میرزایی ۱۳۹۳: ۴۱۱-۴۱۶) و مقوله‌هایی هم‌چون نظارت قدرت سیاسی و اجتماعی بر بدن به ابعاد این حوزه مطالعاتی افزود. توجه اندیشه اجتماعی و گفتمان جدید به جامعه‌شناسی بدن به‌حدی بود که از آن با عنوان چرخش اجتماعی به سمت جامعه جسمانی یاد شده است (اباذری و حمیدی ۱۳۸۷: ۱۲۸). تصویرسازی از بدن در رویکرد جامعه‌شناسان به‌ویژه در قرن بیستم مطرح شد که نه متأثر از بدن، بلکه برآمده از زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی است. به‌عبارت‌دیگر، جامعه‌شناسی بدن بر مطالعه چگونگی تأثیرپذیری بدن از عوامل و نیروهای اجتماعی و تأثیر تغییرات اجتماعی در موضوع بدن متمرکز است.

موج دیگری که بر غنای مطالعات جامعه‌شناسی بدن افزود از دهه ۱۹۸۰ و با مباحث میشل فوکو اوج گرفت؛ فوکو بر آن بود که بدن به ذات خود می‌تواند تاریخ داشته باشد (Nettleton and Watson 1998: 4). او در نوشته‌های خود اصطلاحاتی را وارد جامعه‌شناسی بدن کرد که نتیجه‌اش نه رویکرد زیستی به بدن، بلکه طرح این رویکرد بود که بدن محصولی اجتماعی - تاریخی است. هم‌چنان که برخی جامعه‌شناسان از بدن به‌مثابه ابزار عام ادراک جهان یاد می‌کردند (لو بروتون ۱۳۹۲: ۷) فوکو و دوسرتو به بررسی قوانین تنبیهی و

چرخش از بدن به مثابه امر الهیاتی به سوی رویکرد فرهنگی ... (محمدامیر احمدزاده) ۵

انضباطی جامعه درباره بدن و پیکر آدمی پرداختند. فوکو بر آن بوده تا نشان دهد چگونه جنسیت سوژه گفتمانی پیچیده بوده و از این رو در قرن نوزدهم همواره برای کنترل و منضبط کردن لذت‌های بدنی اقداماتی صورت می‌گرفته است (فیسک ۱۹۹۸: ۵۱). فوکو برای اولین بار در کتاب تاریخ جنسیت به توضیح روش شکل‌گیری قدرت مبتنی بر جنسیت پرداخت. به نظر او، آنچه در جامعه حقیقت امر جنسی شناخته می‌شود در واقع اسطوره‌پردازی است که در روابط انسان‌ها تأثیر جدی دارد و آنان را در حلقه روابط قدرت اسیر می‌کند (دریفوس و رابینو ۱۳۷۹: ۳۱).

عامل دیگری که بر توجه به موضوع بدن به مثابه ابژه پژوهش دامنه زد ظهور جامعه‌شناسی پدیدارشناسانه بود که بر این امر تأکید کرد که مردم چگونه بدن‌های خود را تجربه می‌کنند. بر اساس این رویکرد جامعه‌شناختی، بودن در جهان و آگاهی انسان به میزان بالایی از طریق بدن انجام می‌شود و همه احساسات بشری بر جسم متکی است و از بدن جدا نیست. به عبارت دیگر، در این نگرش، بدن هم ساخته و هم سازنده جهان است که این امر برآمده از یکی از دستاوردهای عصر مدرن یعنی تأکید بر هویت انسانی در فرهنگ غرب بود (لطفی و علیزاده ۱۳۹۲: ۲۴).

بدن از هسته طبیعی برخوردار است، اما معانی فرهنگی باعث ارتباط بدن و فرهنگ می‌شود. معانی‌ای که نیروهای اجتماعی آن‌ها را همواره در ذهن انسان تولید و بازتولید می‌کنند. فوکو و دوسرتو به بحث درباره قوانین تنبیهی و انضباطی جامعه و بدن انسان پرداخته‌اند. از نظر آن‌ها، بدن عرصه نامنی برای کنترل اجتماعی است و از این رو، جامعه برای نظارت بر بدن‌ها و کنترل آن‌ها به شکل‌دهی و گسترش سازمان‌های فراگیری پرداخته که این موضوع در جامعه‌شناسی بدن مطالعه شده است. از نظر فوکو، جنسیت نیز سوژه حوزه‌های گفتمانی متعددی بوده و در قرن نوزدهم میلادی اقداماتی برای مهار و منضبط کردن لذایذ بدنی انجام شده است (فوکو ۱۳۷۸: ۱۷۱). فوکو در کتاب تاریخ جنسیت به روش شکل‌گیری قدرت مبتنی بر جنسیت تأکید می‌کند. او حقیقت امر جنسی را اسطوره‌ای بیش نمی‌داند، اما همین اسطوره‌پردازی را دارای تأثیری مهم در روابط میان انسان‌ها برشمرده است (دریفوس و رابینو ۱۳۷۹: ۳۱). او در زمینه تکوین و توسعه فرایند تجربه جنسیت چند اثر دیگر نوشت. فوکو هدف خود را تعیین رژیم از قدرت/ دانش/ لذت می‌داند. او پیکر آدمی را در مناسباتش با مکانیسم‌های قدرت تحلیل می‌کند و بیش‌تر از همه بر موضوع ظهور قدرت انضباطی در متن جامعه جدید تمرکز دارد. از نظر فوکو،

دانش به‌ویژه علوم اجتماعی، در تولید بدن‌ها و ذهن‌های مطیع کاملاً نقش دارند (نش ۱۳۸۲: ۳۹؛ گیدنز ۱۳۷۷: ۸۸).

در نگرش اجتماعی و فرهنگی به بدن، مسئله اصلی عبارت است از مطالعه ابعاد جامعه‌شناختی، انسان‌شناسی، و ساخت‌گرایانه آن، اما در رویکرد پساساختارگرایی بیش‌تر معطوف به تقابل میان بدن مردانه و زنانه، بدن ابژه، بدن در جایگاه زبان، و عامل معرفت‌شناسی است. بدین ترتیب، می‌توان گفت که جامعه‌شناسی بدن از دهه ۱۹۴۰ و بنابر پیوندش با مسائلی هم‌چون مسئله هویت، زندگی مدرن، سبک زندگی، و ... اهمیت پیدا کرد. اهمیت پرداختن به موضوع بدن در آن است که رفتارهای بدنی نه‌تنها کنشی زیستی - عینی است، بلکه سازه‌ای زبانی، گفتمانی، و حتی اجتماعی و فرهنگی است. توجه به بدن و تمرکز بر آن به‌مثابه ابژه پژوهشی در نظریه‌های اجتماعی دهه‌های اخیر نیز بیان‌گر اهمیت فزاینده مفهوم «خود» است. آن‌چنان‌که لو بروتون گفته است: «بدن یک پدیده بدیهی، ساده و بدون شبهه نیست، بلکه حاصل یک تبیین اجتماعی و فرهنگی به‌حساب می‌آید». از نظر او، بدن تبیینی فرهنگی - اجتماعی در ساختار خود جامعه‌ای است که به‌مثابه مدارهای پیچیده فضایی - زمانی - معنایی عمل می‌کند و بنابراین، دائماً باید زمان، فضا، و معنا را به بازنمودهایی مبادله‌پذیر تبدیل کند. او «بدن در آینه امر اجتماعی» را بررسی کرده است (لو بروتون ۱۳۹۲: ۴۶-۴۹).

## ۲. بررسی محتوای اثر

کتاب تاریخ فرهنگی بدن در ایران، به دست محمدسعید ذکایی و مریم امن‌پور تألیف و در سال ۱۳۹۲ از سوی انتشارات تیسرا چاپ شده است. مؤلفان دانش‌آموخته جامعه‌شناسی‌اند و براساس رویکرد علوم اجتماعی به بررسی تاریخی بدن پرداخته‌اند. اثر یادشده در هفت فصل به شرح زیر تنظیم و تألیف شده است:

**در فصل اول (مقدمه)**، مؤلفان ابتدا به تعریف کارکرد مطالعات تاریخ فرهنگی بدن پرداخته و کارکرد آن را در شرح و تحلیل و گاه مقایسه کنش‌های جسمانی در متن فرهنگی و اجتماعی برشمرده‌اند (ذکایی و امن‌پور ۱۳۹۲: ۱۲). آنان نه‌تنها بر وجه زیستی و عینی بدن تأکید کرده‌اند، بلکه از آن به‌مثابه سازه‌ای زبانی، گفتمانی و تاریخی، اجتماعی، و فرهنگی یاد کرده‌اند. در این جهت، به انواع حوزه‌های مطالعاتی مرتبط با تاریخ فرهنگی بدن از جمله مطالعات ورزش، تفریح، سلامت و بهداشت، آداب و

منش‌های رفتاری، پوشش و تزئین، مکان و فضا، مد و زیبایی، مرگ و بیماری، و ... اشاراتی شده است.

توجه به مطالعات تاریخ فرهنگی بدن در ایران بنا بر خطاهای تقلیل‌گرایانه روش‌شناختی و ایده‌پردازی‌ها آغاز شده، اما طبق نظر مؤلفان ضرورت دارد این مهم به چند دلیل مورد توجه و مطالعه قرار گیرد از جمله الف) شرایط توسعه‌ای، تاریخی، تنوع و پویایی در ایران که فرصت بی‌بدیلی برای مطالعات این عرصه فراهم کرده است. ب) بررسی آداب و فرهنگ بدن امکانی برای مطالعه تغییرات اجتماعی در ایران فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، نظر مؤلفان این است که حوزه مطالعات اجتماعی را از طریق تاریخ فرهنگی بدن بسط دهند. ج) خود مسئله بدن وجه مهمی از فرهنگ عمومی، ارزش‌ها و شیوه زندگی ساکنان هر سرزمین را روشن می‌سازد. در واقع، بدن فارغ از جنبه فردی خود، از حیث اجتماعی دلالت‌های آشکاری در جهت تفسیر روابط و رفتارهای اجتماعی در خود نهفته دارد به گونه‌ای که نوربرت الیاس از سنت پیکره‌گرایی برای جست‌وجوی تجلیات ارزشی جامعه و میشل فوکو برای سنت گفتمانی خود و مسئله قدرت و انضباط اجتماعی از مطالعات بدن بهره برده‌اند. د) بدن می‌تواند به مثابه متنی برای تأمل در شناخت نظامات اجتماعی و سیاسی گوناگون و بررسی تنوعات و تفاوت‌های اجتماعی و جغرافیایی مورد استفاده قرار بگیرد؛ زیرا بدن دارای مؤلفه‌ها و ممیزاتی هم‌چون تاریخی بودن و متن‌مند بودن است که باعث می‌شود حوزه‌های خرد و کلان را تجربه کند. ه) مطالعات بدن می‌تواند زمینه‌ای برای شناخت تعارضات، تنش‌ها، و شکاف‌های هویتی در ایران فراهم کند؛ زیرا بدن به مثابه نقطه ثقل هویت فردی می‌تواند عرصه‌ای محوری برای سیاست فرهنگی هویت‌بخش باشد.

در **فصل دوم**، که به نوعی بر ملاحظات روش‌شناختی تاریخ فرهنگی متمرکز است، به شرح سنت مطالعات فرهنگی بدن و مباحث و دست‌ورکار آن پرداخته شده است. مؤلفان سنت فرهنگی را، که در نقطه تلاقی طیفی از حوزه‌ها و رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی قرار دارد، برجسته‌سازی کرده و تأثیر آن را در معناسازی و معنابخشی به رفتارهای بدنی، گفتمان‌ها و بازنمایی‌های آن بررسی کرده‌اند. هم‌چنین، زمینه‌های مؤثر در این بازنمایی‌ها و تغییر و تحولات آن در اجتماعات زمانی و مکان مطرح شده است. علت اهمیت سنت مطالعات فرهنگی در توجه آن به پیوند متقابل ابعاد اجتماعی، فرهنگی، و جسمانی تجارب انسانی برشمرده شده و مباحثی هم‌چون تغییر و اصلاح بدن، مد و مدگرایی، بدن و فرهنگ جسمانی، نقشه‌بندی اجتماعی و فرهنگی بدن (تحلیل تنوع رفتارها و هیجانان جسمانی بر حسب اجتماعات مکانی، گروه‌های شغلی و مانند آن) و دسته‌بندی گونه‌های مهم از

گفتمان‌های بدن، چهارچوب مسائل مورد توجه است. استدلال نویسندگان این است که علاوه بر آثاری که ویژگی‌های زمینه‌ای و ساختاری چون قومیت، جنسیت، طبقه، شهروندی، هویت مکانی و جغرافیایی، و دین‌داری در توجه به بدن و مدیریت آن بر جای می‌گذارند، نقش فرهنگ در زندگی جسمانی و مادی را به درجاتی از طریق بازنمایی و نیز گفتمان‌های موجود درباره آن می‌توان یافت.

در فصل سوم، به گفتمان‌های بدن در ایران پرداخته شده و وجه گفتمانی، بازنمایانه، و برساخته بدن در پرتو منابع و متون نثر و نظم ادب فارسی، متون دینی، برخی منابع مربوط به سلامت و پزشکی و نیز مفاهیم و دیدگاه‌ها و سنت‌های علوم رفتاری (به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی) و با تأکید بر مقولاتی چون زنانگی، مردانگی، جوانی و پیری، زیبایی و زشتی، آراستگی و آشفتگی یا تندرستی و بیماری بررسی شده است. در این فصل، به بررسی فرهنگ پیشامدرن و سنتی در ایران توجه بسیار شده و مؤلفان برآن‌اند که در مسیر تحول هیجان‌ات و کنش‌های جسمانی در زمینه تاریخی ایران، دین مهم‌ترین عامل در تعیین و نظم‌دهی به فرهنگ بدن و هنجارهای آن در زندگی روزمره بوده است. در واقع، برطبق گفتمان پیشامدرن، که تأثیرپذیری بالایی از گفتمان دینی نشان می‌دهد، بدن اعتبار خود را از جمع می‌گیرد. در گفتمان پیشامدرن، فرهنگ دینی به زبان، قومیت، حافظه‌های فرهنگی - تاریخی، و تمایلات بدنی معنا و جهت می‌بخشد. اما با تحولات و تأثیرات مربوط به دوره مدرن، مقوله‌بندی‌ها و تعریف متفاوتی از بدن رواج یافت. وضع قوانین و مقررات جدید، شکل‌گیری نهادهای جدیدی چون مدرسه و بیمارستان، رشد طبقه متوسط، و گسترش فضاهای شهری شرایط جدید و متفاوتی برای انضباط‌بخشی و مدیریت بدن فراهم ساخت که خود تا حدودی محرکی برای ترویج ارزش‌های فردگرایانه به شمار می‌آمد. به‌عبارت‌دیگر، مؤلفان بر این مسئله تأکید دارند که تغییر در عادات و رفتارهای بدنی در ایران عصر حاضر نه امری خودجوش و از پایین، بلکه متأثر از رویارویی مستقیم و غیرمستقیم از کانون‌های معنایی غیرایرانی و به‌ویژه غربی و تأثیرپذیری از آن بوده است.

در فصل چهارم، کتاب به تحلیل و بررسی رابطه بدن با مکان و فضا پرداخته شده است؛ در این فصل، دین مهم‌ترین عامل در تعیین و انتظام ساختارها و فضاهای اجتماعی در ایران برشمرده شده و تأکید شده است که آیین‌های دینی نقشی بنیادین در تعریف قواعد رفتاری در عرصه‌های اجتماعی ایفا کرده‌اند. در این باره، برخی از این آثار دین در معماری و طراحی فضاهای عمومی و کالبدی شهرهای اسلامی و نیز طراحی فضاهای کوچک و خصوصی منازل نشان داده شده است. این‌که شهرهای سنتی ایرانی با محوریت مسجد،



بازار و ارگ به ترسیم سلسله مراتب قدرت و روابط و ارزش‌های اخلاقی پرداخته‌اند که بیان‌گر نقش دین در بدنه اجتماع و روح انسان ایرانی بوده است. در این فصل، نقش دربار در ایجاد تغییرات در هنجارهای فضایی و مکانی از طریق ترویج و نظم فضای جدید و اختلال در نظم فضای پیشین بررسی شده که نوعی فرایند متمدن‌شدن دربار را منعکس می‌کند. در واقع، مؤلفان در این فصل بر این باورند که در عصر مدرن تمرکز دیوان‌سالارانه دولت با به‌حاشیه‌راندن مرکزیت مکان‌های مذهبی باعث شکل‌گیری سه فضای رسمی، نیمه‌رسمی، و غیررسمی در معماری و بناهای شهری و ... شد که این امر در جهت تقویت ارزش‌های فردگرایانه در معماری و ... صورت گرفته است.

در **فصل پنجم**، موضوع رابطه بین زبان بدن و ارتباطات غیرکلامی با فضا و مکان بررسی شده است. هدف اصلی این بحث پرداختن به جایگاه نشانه‌ها و دال‌های غیرکلامی در تولید معانی و مفاهیم است. به‌باور مؤلفان کتاب، ارتباطات غیرکلامی در ایران پیشامدرن مؤلفه و شاخصی مهم و کلان برای تعیین جایگاه و سلسله‌مراتب اجتماعی فرد بوده است که بر اثر مواجهه با دنیای مدرن و الگوپذیری از نهادها و ارزش‌های جدید آن زمینه برای تحول در نشانه‌ها و ژست‌های بدنی فراهم شد. این امر بر اثر شکل‌گیری تفاوت‌های طبقاتی میان گروه‌های اجتماعی با تنوع بیش‌تری رخ داد. با استقرار نهادهای جدید و نیز ورود گفتمان غربی، شاهد تحولاتی مهم در زبان بدن هستیم که کانون‌های جدیدی برای تولید معنا فراهم کرد.

**فصل ششم** شامل بررسی لباس و پوشش و تحلیل نشانه‌ها و دلالت‌های آن در سیری تاریخی است. این فصل از لباس هم‌چون بخشی از نظام ارزشی جوامع و پدیده‌ای فرهنگی یاد کرده که هم‌زمان به پیوندها و تمایزات آن‌ها کمک می‌کند. در متون کلاسیک فارسی ایران، لباس علاوه‌بر صورت مادی، نماد و دال صورت‌های ذهنی یا قراردادهای اجتماعی است. لباس بیان‌گر هیجانات، شخصیت، تواضع و فروتنی، دین‌داری، و شأن و جایگاه اجتماعی افراد است. در متون دینی نیز لباس برای آسایش و آرایش مؤمنان توصیه شده است. از دید مؤلفان، برخی از وجوه ممیزه و مشخصه لباس در ایران پیشامدرن در تمایز کم بین لباس زن و مرد، گروه‌های سنی و شغلی، تشابه نسبی ترکیب و اجزای لباس دلالت مذهبی و سیاسی رنگ‌ها بازنمایی شده که هم‌نشان‌دهنده هویت دینی - ملی بوده و هم بازنمای تفاوت‌های قومیتی و طبقاتی است. در این باره، آنچه به تفکیک نوع و تنوع پوشش دامن زده مواجهه ایران با غرب و احساس خودکم‌بینی شکل گرفته از این مقایسه در میان دربار بوده که سرآغازی برای تغییرات پوشاک در ایران در فرایندی غیرخودجوش و عموماً

از بالا به پایین بود. البته هم‌چنان نشانه‌هایی از عناصر سنتی پوشش ایرانی دوام یافت، اما اجبار و تحمیل و سپس ترغیب و تشویق به‌منابۀ ابزارهای اصلی سیاست پوشش پهلوی اول در ایران زمینه‌ساز تسریع فرایند مُدگرایی غربی بوده است.

**فصل هفتم** کتاب به مسئله بدن و سلامت اختصاص دارد. در این فصل، نویسندگان با اتخاذ رویکرد سازه‌گرایانه در پی نشان دادن پیوند مفهوم سلامت و دیگر مفاهیم نزدیک آن با سیاست، فرهنگ، قدرت، و گفتمان در طول تاریخ خود هستند. مؤلفان با بررسی موضوع در پرتو آثار ادبی برآن‌اند که در فرهنگ و ادب فارسی تندرستی و سلامت، که توأمان دربرگیرنده سلامت جسمانی و نفسانی بوده، اهمیت داشته و بخش بزرگی از احکام دینی به بهداشت و سلامت مربوط است. در این فصل به این مسئله مهم توجه شده است که در وجه اجتماعی منابع ادبی - دینی بیان‌گر سلسله‌مراتبی‌بودن، طبقاتی‌بودن و مردانه‌بودن امتیازات، آگاهی‌ها و حقوق مربوط به سلامت در بیش‌تر تاریخ ایران است که اوج آن با وقوع انقلاب مشروطه و تعاملات بیش‌تر با دنیای غرب و دانش جدید پزشکی رخ داد و به‌تدریج مفاهیم سلامت و بیماری را خالی از مضامین معنوی و فرامادی ساخت و اگرچه بیماری و درمان هم‌چنان با اراده و مشیت الهی مرتبط دانسته می‌شد، ترویج و توسعه دانش جدید فهم از سلامت و بیماری را بیش‌ازپیش با مبانی تجربی طب نوین هم‌راه ساخت. این گفتمان به‌تناسب از اوایل قرن بیستم رواج یافت و انضباط و قدرت به عاملی تعیین‌کننده در ترویج فرهنگ سلامت در ایران تبدیل شد و با دخالت بیش‌تر دولت در تولید و اعمال گفتمان سلامت و پزشکی و در ادامه اهمیت بازنمایی این گفتمان‌ها در رسانه‌های جمعی، این مفاهیم وجهی ایدئولوژیک و سیاسی پیدا کردند.

**محتوای فصل هشتم** بررسی رابطه تغییر و اصلاح بدن است. تغییر انتخابی یا اجباری در بدن جسمانی همواره شیوه‌ای برای نمایش هویت‌های فردی و جمعی بوده است. هدف این فصل ترسیم معانی تولیدشده به تغییر و اصلاح در متن بدن در دوره‌های مختلف و آشکارکردن رابطه ساختار قدرت، عاملیت، و نقش گفتمان‌ها در آن است. از نظر مؤلفان، بدن به‌منابۀ کالا، میانجی و زبان، عامل هویت‌ساز و نیز ابژه‌ای جنسی، مقولات اصلی برای توجه به این بحث به شمار می‌آیند. در نگاه پیشامدرن، نیروهای فرامادی و عوامل اجتماعی و گروهی مهم‌ترین دال‌های معنابخش در زمینه آرایش و تغییر بدن به شمار می‌آمدند، اما با تغییر معیارها و ارزش‌های زیبایی‌شناسانه و نیز به‌تدریج جنسیتی پیشین، که عموماً از فضای فرهنگی غربی است، به‌تدریج، ایده‌آل‌های جدید جایگزین شد. تحولات چند دهه اخیر جامعه ایران نوساناتی را در گفتمان تغییر بدن نمایش می‌دهد. فضای انقلابی و گفتمان

جنگ، که بر انضباط و کنترل بیش‌تر بر بدن و سادگی و کارکرد غیرتظاهری آن تأکید داشت، فاصله زیادی با گفتمان و ارزش‌های مصرفی و سبک زندگی با محوریت بدن در دهه اخیر نشان می‌دهد.

در کتاب، الگوی طرح و بررسی مطالب در سه فصل ششم (پوشاک)، فصل هفتم (بدن و سلامت)، و فصل هشتم (تغییر و اصلاح بدن) مانند یک‌دیگر است و به بررسی هر موضوع در قالب جایگاه کلی آن در علوم اجتماعی، ادبیات، مذهب، پزشکی، و سپس وضعیت خاص ایران در سه دوره تاریخی توجه شده است.

### ۳. قوت‌ها و مزایای اثر

#### ۱,۳ توجه به طیف مهمی از محورهای موضوعی تاریخ‌نگاری فرهنگی بدن

کتاب با محوریت تاریخ فرهنگی بر آن است تا بیان واقعه در تاریخ توصیفی و نیز شیوه فهم کسانی که آن واقعه را تجربه کرده‌اند شناسایی و تفهیم کند. یکی از علل اهمیت مطالعات تاریخ فرهنگی در این است که هرگونه تحول در مناسک، آیین‌ها، و باورها را به شکل فرایندی می‌نگرد. از این رو، در تاریخ فرهنگی بدن علاوه بر بررسی کنش‌های جسمانی در متن اجتماعی - فرهنگی بر وجوه زیستی و عینی آن نیز از جمله ابعاد زبانی، گفتمانی، و تاریخی بدن نیز تمرکز شده است. این به آن معناست که طیف وسیعی از موضوعات و مقولات شامل سلامت و بهداشت، اصلاح و تغییر بدن، آداب و منش‌های رفتاری، پوشش و تزئین بدن، مکان و فضا، تفریح و بازی و ورزش، مد و زیبایی، رابطه بدن با نیروهای ماوراءالطبیعه، مرگ و تولد و بیماری، روابط جنسی، و ... را می‌توان در ذیل تاریخ فرهنگی بدن بررسی و ارزیابی کرد. در واقع، این اثر به معنای تلاشی مهم در سنت تاریخ فرهنگی برای ترسیم برخی تحولات مهم حوزه ارتباطی بدن در ایران و تحلیل و مفهوم‌سازی از آن است. مؤلفان بر آن‌اند که تاریخی بودن، متن‌مند بودن و موقعیت ویژه‌ای که بدن‌های اجتماعی به مثابه متنی برای تأمل در نظام‌های اجتماعی و سیاسی مختلف و نیز جغرافیای متفاوت از آن بهره‌مندند، باعث شده تا امکان مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی اجتماعی در ایران درباره مطالعات بدن فراهم شود.

هم‌چنین شرایط تاریخی و تنوع و پویایی فرهنگی ایران باعث شکل‌گیری فرصت کم‌نظیری در توسعه مطالعات حوزه تاریخ فرهنگی بدن شده است. بدن به روشن‌ساختن بخش مهمی از فرهنگ عمومی، ارزش‌ها، و شیوه زندگی ساکنان هر سرزمین کمک می‌کند.

مؤلفان در این کتاب توانسته‌اند مجموعه خوبی از یافته‌های تاریخی را به شکل مستنداتی مانند عکس، سفرنامه، و کتاب‌های قدیمی گردآوری کنند. از این رو، بخش اول کار تاریخ‌نگاری فرهنگی، یعنی استناد به مواد تاریخی، در آن به خوبی بازنمایی شده است. مؤلفان برای نشان دادن این تصور که بدن پدیده‌ای مادی است که در حصار زمان و مکان محصور شده است به ارائه عکس‌ها و تصاویری از آداب و عادات ایرانی پرداخته‌اند. به نظر مؤلفان، هم‌چنان‌که تصاویر برگزیده در کتاب نشان می‌دهند، زبان بدن و ژست‌ها و حرکات بدنی در هر دوره تاریخی به مهم‌ترین ابزارها برای کدسازی و انتقال پیام در تعاملات اجتماعی تبدیل می‌شوند. عکس‌ها و تصاویر به نوعی به سیال‌بودن معانی در ارتباطات و تعاملات غیرکلامی دامن می‌زنند و حامل معانی گوناگون در کنش‌های اجتماعی‌اند. کتاب در جهت تاریخ‌نگاری فرهنگی در پی کشف نقش نیروهای فرهنگی کلان‌تر (از جمله رسانه و جنسیت) در لابه‌لای توجه هم‌زمان به وقایع منفرد است. به عبارت دیگر، دقت تجربی مؤلفان با تفسیرهای فرهنگی درهم می‌آمیزد.

ویژگی دیگر اثر در تقویت رویکرد اکنون‌نگارانه و حال‌گرایی در نگارش و تفسیر رخدادهای تاریخی با نگاهی بلندمدت به ادوار مختلف تاریخی است. در واقع، اگر تاریخ فرهنگی را نوعی شیوه تحلیل یا رویکرد خاص به جامعه معاصر بدانیم که برخلاف تاریخ فرهنگ، تاریخ را به روش و ابزاری برای تحلیل و شناخت فرهنگ تبدیل می‌کند (برک ۱۳۸۹: ۲۴)، در مطالعات تاریخ فرهنگی، علاوه بر تمرکز بر دوره‌ای محدود تأکید بسیاری وجود دارد که آن دوره در تاریخ معاصر یک کشور یا جامعه واقع شده باشد. اما چنین نگاهی در ساختار بندی زمانی کتاب تاریخ فرهنگی بدن دیده نمی‌شود، بلکه مؤلفان گستره‌ای از دوره شاهان هخامنشی تاکنون را معیار زمانی برای تمرکز موضوع در نظر گرفته‌اند. بدین منظور، استنادهای تاریخی فراوانی جمع‌آوری و تحلیل شده است، اما در دوره‌های قبلی تحلیل‌ها و نگرش‌ها به بدن به منزله «تاریخ فرهنگ بدن در ایران» تلقی می‌شود؛ زیرا در بسیاری موارد به بررسی سیر شکل‌گیری، تحول، تکامل، و دگرگونی و در واقع نوعی شناخت توصیفی - روایی از فرهنگ بدن پرداخته شده است.

از آن‌جاکه تحدید موضوع به دوران معاصر نوعی استراتژی در تاریخ فرهنگی به‌شمار می‌آید، می‌تواند داده‌هایی را در اختیار بگذارد که مطالعات تاریخ فرهنگ از آن بی‌بهره‌اند. یکی از آن‌ها استناد به داده‌های «تاریخ شفاهی» است. این روش به بازسازی و کشف زوایای پنهان هر رخداد تاریخی و فرهنگی کمک می‌کند. تاریخ فرهنگی از طریق رویکرد جامع خود، که صرفاً به فرهنگ والا یا نخبگان و سرآمدان و سرشناسان جامعه محدود

نمی‌ماند، بلکه به فرهنگ مردم پایین و تجارب آنان در زندگی روزمره و حتی فرهنگ عامه‌پسند نیز استناد می‌کند در خلق یک معرفت دقیق و جزئی‌تر مؤثر است.

می‌توان گفت تاریخ فرهنگی بدن مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای است که در یک معنا «راهی برای رهایی از آسیب‌های تقلیل‌گرایی و تخصص‌گرایی محض» (رحمدل و فرهنگی ۱۳۸۷: ۴۱) تلقی می‌شود. تاریخ فرهنگی از حیث روش‌شناختی و تئوریک با رشته‌های دیگر در ارتباط است و از تنوع و ظرفیت دانش‌های دیگر بهره می‌گیرد. در رویکرد تاریخ فرهنگی، هدف این است که با نگرشی بینارشته‌ای، دو حوزه اصلی علوم انسانی، یعنی تاریخ و فرهنگ، با یکدیگر و در تعامل با هم مطالعه شوند (برک ۱۳۸۹: ۹). تاریخ فرهنگی با رویکردهای جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، و مطالعات فرهنگی درهم آمیخته است. از این رو، مورخ فرهنگی درصدد مطالعه یک امر یا امور صرفاً تاریخی نیست، بلکه همواره در مواجهه با رخدادها از نگرش و تحلیل فرهنگی بهره می‌گیرد. با این حال، مورخ فرهنگی باید پیوسته به داده‌های تاریخی رجوع کند و خود را از آنها بی‌نیاز نداند. در کتاب تاریخ فرهنگی بدن با رویکرد تاریخ فرهنگی به رخدادهای تاریخی کم‌تر توجه شده است؛ در فصل چهارم با بررسی ارتباط مکان و فضا و بدن به نظر می‌رسد که بیش‌تر پژوهش‌ها حول محور معماری می‌چرخد و دروازه ورود به مبحث مکان و فضا و رابطه آن بیش‌تر معماری است تا خود بدن.

در این کتاب، از ملاحظات و پژوهش‌های انسان‌شناختی، هنر و معماری، ادبیات، روان‌کاوی، و پزشکی پایه‌ای برای تحلیل‌های جامعه‌شناسانه ساخته شده و همواره در فرانس‌ها و تحلیل‌هایش که به این مفهوم از زوایای مختلف علوم پایه مانند آناتومی، فیزیولوژی، علوم پزشکی، زیست‌شناسی انسانی، رفتارشناسی جانوری، و روان‌شناسی نگریسته، از پژوهش‌های کلاسیک و نوین انسان‌شناسی در حوزه بدن و رفتار انسانی بهره برده شده است. مؤلفان هم‌چنین از بدن به مثابه موضوعی سخن گفته‌اند که دست‌مایه اعمال کنترل و مداخله پزشکی قرار می‌گیرد و تحلیل‌هایی درباره نظارتی که توسط دولت، دین، و پزشکی بر خصوصی‌ترین فعالیت‌های بدنی انسان اعمال می‌شود ارائه کرده‌اند. قرارداد بدن به مثابه ابژه معرفتی باعث شده است تا آن را نه یک تلقی ساده از بدن، بلکه حاصل یک تبیین اجتماعی و فرهنگی تلقی کنند. از نظر مؤلفان، بدن گونه‌ای تبیین فرهنگی - اجتماعی در ساختار خود جامعه‌ای است که هم‌چون مدارهای پیچیده فضایی - زمانی - معنایی عمل می‌کند و پیوسته باید زمان، فضا، و معنا را به بازآمودهایی مبادله‌شدنی تبدیل کند.

### ۲,۳ توجه به بدن به مثابه رسانه هویت

یکی دیگر از نکات مثبت کتاب تاریخ فرهنگی بدن توجه به بدن به مثابه نقطه ثقل هویت فردی است که هم‌چون ضرورتی برای شناخت تعارضات، تنش‌ها، و شکاف‌های هویتی در ایران حائز اهمیت است. از این حیث، مؤلفان برآن‌اند که بدن وسیله‌ای برای برقراری ارتباط ما با جهان مادی از لحظه تولد تا مرگ است و رابطه دوسویه بدن با جهان مادی فقط با مرگ است که قطع می‌شود (ذکایی و امن‌پور ۱۳۹۲: ۸۳). اهمیت بدن به حدی است که انسان از طریق بدن، خود و جهان اطراف را تجربه می‌کند و دیگران را می‌شناسد و شناخته می‌شود. در رویکرد این کتاب، بدن کلیتی به هم پیوسته و نظامی از رمزگان و نشانگان است که در فرایندی تاریخی در درون بافت فرهنگی - اجتماعی خاص خود، هستی می‌یابد. بدن به منزله رسانه‌ای هویتی در کتاب در قالب گفتمان‌های جامعه‌شناختی، ادبی، دینی، و پزشکی بررسی شده است. در رویکرد جامعه‌شناختی به بدن، به نقش جمله مشهور دکارت اشاره شده که به نوعی دوگانه ذهن و عین را شکل داد و در آن اندیشیدن دلیل بر بودن فرض شده است. به تدریج، تحولات اجتماعی گوناگون در دهه‌های اخیر باعث گسترش حرکت به سوی جامعه جسمانی شد. رشد تکنولوژی و فناوری‌های مدرن نقش مهمی در جسمانی‌شدن جامعه داشت و امکانات و فرصت‌های مهمی برای دخل و تصرف در بدن از طریق مد، آرایش، پوشاک، جراحی پلاستیک، و ... فراهم کرد.

در ادامه بحث از رسانه بدن به طرح رویکرد نظریه پردازان پرداخته شده که از دیدگاه فوکو، روابط قدرت است که در هر دوره از تاریخ به تولید و بازتولید بدن می‌پردازد (یزدخواستی ۱۳۸۷: ۱۳۳). این در حالی است که بوردیو از بدن هم‌چون یگانه جلوه محسوس و ملموس تشخیص و محصولی اجتماعی سخن می‌گوید که تفاوت و تمایزهای طبقاتی را به نمایش می‌گذارد (بوردیو ۱۳۹۰: ۲۶۷). در گفتمان ادبی بدن، از بدن به مثابه اندام، تن، و کالبد یاد شده و کسانی مانند سعدی شیرازی آدمی و تن او را شریف دانسته‌اند اما در ادبیات عرفانی، از جمله در بیان مولوی بلخی، از تن به حصار و زندان برای روح آدمی و مانعی برای عروج و آزادی او تعبیر شده است. در واقع، سالکان طریقت برای بدن مقامی به مراتب پایین‌تر در نظر گرفته‌اند که این امر در متون ادبی و گفتمان مربوط به آن بازنمایی شده است. در این گفتمان، از سر هم‌چون راه‌نمای تن و از شکم هم‌چون پست‌ترین بخش بدن و قسمت شهوت و جایگاه چریدن و ... یاد شده است (ذکایی و امن‌پور ۱۳۹۱: ۸۸-۹۱).

در گفتمان دینی، بدن به مثابه امانت الهی و مرکب روح در جهان مادی و وسیله‌ای برای عبادت و پرستش خداوند و ظرفی برای تجلی او تصویر شده است. در همه ادیان الهی، خداوند صاحب و مالک اصلی بدن‌هاست و انسان حق مطلق بر بدن خود ندارد. در گفتمان دینی بدن، آنچه برای جسم و بدن مضر باشد حرام است؛ در این نگرش، این‌که مردان انگشتر طلا نباید در دست کنند و ... (علامه مجلسی ۱۳۸۰: ۲۹) به دلیل سود و زیانی است که این فلزات برای پوست انسان به فراخور جنسیت او دارند. در رویکرد دین اسلام، بدن‌های افراد بنابر آن‌که بدن پیامبر، برگزیدگان، علمای دین، و ... باشند از نیروی معنوی و فره الهی برخوردارند و بدن‌های متبرک شمرده می‌شوند. در واقع، بخش مهمی از مباحث مطرح‌شده در متون دینی در بردارنده دستورها و توصیه‌هایی است برای پرورش، مدیریت و کنترل بدن، و آداب معاشرت از جمله حنابستن، خضاب‌کردن، آرایش مو، عطر زدن، و ... . در گفتمان دینی بدن، زیبایی همانا تحقق صفات و جمال خداوندی و از نعمات الهی است که به بندگان خاص خود می‌بخشد و حضرت یوسف حد اعلای زیبایی بشر روی زمین است. بدن انسان در دین اسلام جایگاه و مأوای روحی اشرف مخلوقات است و با مرگ از بین نمی‌رود، بلکه مبعوث می‌شود. در واقع، در گفتمان دینی بدن، عاملیت انسانی تابع امر دینی و فرامادی است.

گفتمان سومی که در کتاب محل بحث قرار گرفته گفتمان پزشکی بدن است که در طب سنتی، براساس محیط جغرافیایی، فرهنگی، و اجتماعی تعریف و تجویز می‌شود. اما در پزشکی مدرن، بدن به تنهایی و جدا از ذهن و روان به مسئله و موضوع پژوهش تبدیل شد. پزشکی مدرن در مطالعهٔ ابژه بدن ضمن درک چیستی آن به کشف راه‌هایی برای کنترل، تغییر، و ارتقای وضع آن می‌پردازد و فناوری مدرن نیز برای ادای این رسالت به کمک پزشکی آمده است و در قالب حرارت‌سنج، دستگاه سنجش فشار خون و انواع وسایل آزمایشگاهی عمل می‌کند.

### ۳،۳ توجه به وجوه کم‌تر دیده‌شده در تحقیقات تاریخی و جامعه‌شناختی

مطالعات تاریخ فرهنگی بدن تأثیر تعامل با پیرامونی و الزاماتی را بررسی می‌کند که این ارتباط در نقش‌ها، روابط، و دسترسی به معانی فرهنگی وارد می‌کند. به عبارت دیگر، نگاه فرهنگی به بدن ابعاد متنوعی را در بر می‌گیرد که در میان آنان می‌توان به معناسازی و معنادهی به رفتارهای بدنی و گفتمان‌ها و بازنمایی‌های آن اشاره کرد. بدن‌های انسانی در

ادبیات، شعر، آثار باستانی، نقاشی، نمایش‌ها و آیین‌های مذهبی، کتاب‌ها و هنرهای دینی، رمان‌ها، و رسانه‌های سنتی و مدرن به صورت متنوعی به تصویر کشیده می‌شوند. کتاب به شرح فرهنگی از بدن اختصاص دارد؛ یعنی به بررسی تفاوت‌های جسمانی‌ای می‌پردازد که براساس جنسیت، نژاد، قومیت، طبقه و شهروندی، و دوره‌های زندگی قرار دارند. این موضوع گرچه حاوی وجه زیست‌شناختی است، حامل پیام فرهنگی هم هست. از سوی دیگر، با کاربست وجه و رویکرد فرهنگی در تفسیر کنش‌های بدنی نحوه نتیجه‌گیری و استدلال هم تحت تأثیر قرار گرفته است و بر این اساس، مؤلفان تفاوت در عملکردها و بازنمایی بدن را ناشی از سلیقه‌ها، سبک زندگی، و خرده‌فرهنگ‌های گروهی برشمرده‌اند. گفتمان دینی - اخلاقی در جامعه بدن را صرفاً برای مصرف طبیعی می‌نگرد و تأکیدات زیادی بر بهداشت، سلامت، مراقبت، و حفظ آن دارد و به بدن به مثابه امانت الهی نگریسته است. در رویکرد دینی به بدن، تلاش می‌شود که نقش فرهنگ در تولید بدن و نگاه به بدن هم‌چون متنی که درون روابط اجتماعی خوانش و رمزگذاری می‌شود در حاشیه قرار گیرد. رویکرد دینی به بدن در تحلیل خود نسبت به قلمرو بدن به هنجارهای پزشکی (تغییر و اصلاح) توجهی نمی‌کند. این در حالی است که رویکرد فرهنگی به طرح صورت‌های جدیدی از تأمل در زمینه بدن می‌پردازد و جامعه معاصر از یک سو به دلیل فراغت، لذت، و حظ بصری بر فرهنگ جسمانی تأکید دارد و از جهت دیگر، به مسئولیت‌های فردی در حفظ تناسب، سلامت، و جوانی بدن توجه می‌کند.

پرداختن به موضوع و مسئله رابطه بدن و تاریخ در ایران معاصر را می‌توان نوعی حرکت بدیع و پیش‌رونده در جهت توسعه مطالعات میان‌رشته‌ای برشمرد که در این کتاب به آن توجه شده است. در این اثر، از فضاهای اجتماعی به مثابه محل تعامل و ارتباط میان انسان‌ها با یکدیگر و بین انسان‌ها با حکومت یاد شده که تسلط بر این فضاها باعث گسترش بلامنازع هژمونی قدرت‌ها می‌شود و منازعات بر سر قدرت در تاریخ را ذیل تلاش‌ها برای حاکمیت بر فضاهای اجتماعی تفسیر کرده‌اند.

### ۴,۳ ارائه تصاویر به تناسب محتوای هر بخش از کتاب

مؤلفان علت توجه به حوزه مطالعات فرهنگی بدن و ضرورت آن را در فراهم‌بودن شرایط تاریخی، توسعه‌ای، و تنوع و پویایی فرهنگی جامعه ایران برشمرده‌اند که فرصت بی‌بدیلی را برای گسترش این مطالعات فراهم آورده است. ایده محوری که در تاریخ فرهنگی بدن



همواره بر آن تأکید شده این است که دین در مسیر تحولات در هیجان‌ات و کنش‌های جسمانی در بستر تاریخی ایران مهم‌ترین مؤلفه در تعیین و نظم‌دهی به مصرف بدن و هنجارهای مختلف آن در متن زندگی روزمره بوده است که اگرچه در مسیر تحولات مربوط به دوران مدرن به درجاتی تحت‌الشعاع هنجارها و گفتمان‌های مدرن و انتظام‌بخش مربوط به قدرت بوروکراسی‌های دولتی قرار گرفته، هم‌چنان دلالت‌ها و انگیزش‌های معنا‌بخش بسیاری را برای کردارها و هیجان‌ات جسمانی فراهم می‌سازد. به‌نظر مؤلفان، تغییر در عادات و رفتارهای بدنی در ایران در قرن اخیر اگرچه به درجاتی برآمده از تفکیک اجتماعی بوده، فرایندی کاملاً خودجوش و از پایین نبوده است، بلکه عمدتاً قدرت سیاسی با هدف به‌انضباط‌درآوردن بدن‌ها به اعمال سیاست‌های اجتماعی - فرهنگی می‌پرداخته است.

تاریخ‌نگاری عکس یا تاریخ مصور یکی از اشکال مهم تاریخ‌نگاری مدرن است که به تفسیر و استخراج معانی برآمده از آرشیوهای عکس و اسناد می‌پردازد. اهمیت این حوزه در آن است که، به‌ویژه با ورود دوربین عکاسی در ایران عصر ناصری و تا اکنون، می‌توان به آرشیو تصاویر و عکس به‌مثابه یکی از مهم‌ترین منابع آگاهی‌بخش تاریخی از رخدادها و شخصیت‌ها نگاه کرد. امروزه هر تحقیقی که درباره ایران دوره معاصر باشد بی‌نیاز از مراجعه به آرشیوهای عکس مراکز رسمی و غیررسمی نیست.

بی‌تردید، مهم‌ترین مؤلفه اثرگذار در شکل‌گیری و رشد عکس و عکاسی در ایران دربار ناصرالدین شاه قاجار بود. افزایش ورود اروپاییان به ایران و گرمی بازار پیشکش‌های آنان به شاهان قاجار زمینه‌ساز آشنایی دربار ایران با عکس و حکاکای عکس شاهان بر روی ورق‌های نقره و طلا شد که مبلغان و مأموران سیاسی اروپایی در این عرصه پیش‌گام بودند (افشار ۱۳۷۱: ۱۹). به‌تدریج که در سفرهای شاه به فرنگ شناختی از عکاسی صورت گرفت، چند دوربین خریداری شد و در اواخر دوره ناصری به دستور شاه از زنان حرم‌سرا هم عکس می‌گرفتند (طهماسب‌پور ۱۳۸۱: ۲۶). در دوره مظفیری هم در بالاخانه مدرسه دارالفنون عکاس‌خانه دایر و فن عکاسی متداول شد.

بیش‌تر عکس‌های دوره قاجار به نیت یادگاری گرفته می‌شد و در واقع عکاسان به تجربه کشفیات جدید فنی با هدف سرگرمی مشغول بودند. در این دوره، عکاسی عمدتاً با هدف تقلید از غرب انجام می‌شد و حول محور پرتره می‌چرخید (تاسک ۱۳۷۷: ۳۶-۳۸). با وقوع انقلاب مشروطه، گرایش به عکس و عکاسی ابعاد خاص دیگری یافت؛ از جمله مردم کنجکاو بودند چهره آزادی‌خواهان و فعالیت‌های آنان را ببینند و این کار برای همه مقدور نبود. در نتیجه این کنش و واکنش‌ها بود که نوعی عکاسی خبری شکل گرفت که در آن

آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان به عکاسان مراجعه می‌کردند و در حالت‌های مختلف با سلاح و بی‌سلاح، عکس یادگاری می‌گرفتند. این عکس‌ها از مهم‌ترین اسناد و گواهان صادقی هستند که مخاطب را با بسیاری از خصوصیات جامعه ایران در دوره بحرانی پسامشروطه آشنا می‌سازند. به تدریج و با استقبال مردم، نوعی احساس جاودانگی شکل گرفت که با ثبت رویدادها در عکس پدید می‌آمد. روند تحول رویکرد به عکاسی به گونه‌ای بود که مأموران دولتی به عکاس‌خانه‌ها مراجعه می‌کردند تا از زندانی یا مجرمی عکس بگیرند و این‌جا عکس از وجه سندیت و هویت مستقل برخوردار شد.

پس از سه دهه حضور عکاسی در ایران، انحصار آن از دربار خارج شد و موضوعات اجتماعی و واقعی ابژه عکاسی قرار گرفتند. عکاسان ایرانی، با پیروی از روش عکاسان غرب، ناخودآگاه به سوی عکاسی مطبوعاتی پیش رفتند. عکس‌گرفتن از منظره‌های اجتماعی و رخدادهای فرهنگی و شهری جایگاه خاصی یافت که این امر نقش مهمی در ارتقای جایگاه عکس به مثابه سند مهم تاریخی و نیز توسعه زمینه‌های تاریخ‌نگاری مصور داشته است. گرفتن عکس با فرمان مشروطه، نشر عکس آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان در قامت پیروزمندان نبرد با استبداد، و ... با هدف نشان‌دادن شکوه و جلال پیروزی‌های مشروطه‌خواهان صورت می‌گرفته است. هدف تهیه عکس‌های خبری انتقال اخبار به مخاطب به نحوی بصری بود.

در این اثر و در پایان هر فصل، می‌توان بکرترین و مهم‌ترین عکس‌های تاریخی و اسناد مرتبط برای نگارش «تاریخ مصور» را ملاحظه کرد. عکس‌های موجود در کتاب گذشته‌ها را در برابر چشمان ما زنده می‌کنند. از سوی دیگر، تاریخ‌های مصور تاریخ‌نخبه‌گرا را به تاریخ‌نگاری توده‌ای تبدیل می‌کنند. اشکال متفاوت و متنوع عکاسی، از عکاسی مستند و مطبوعاتی گرفته تا عکاسی خانوادگی و یادگاری، به شدت و به صورت تصاعدی گسترش یافته و موجب شده که در مقابل آن شکل پذیرفته تاریخ، که عمدتاً تاریخ سیاسی بوده، از لابه‌لای این تصاویر تازه تولیدشده انبوه، بیش‌تر به تاریخ‌های اجتماعی به حاشیه‌رانده‌شدگان و نادیده‌انگاشته‌شدگان قومیتی، جنسیتی، و ... دسترسی پیدا کنیم.

#### ۴. نواقص اثر

##### ۱,۴ ضعف نگاه جامع در پرداختن به امر تحقیق

پرداختن به گستره موضوعی وسیع مرتبط با بحث تاریخ فرهنگی بدن مستلزم کاربست مفهوم‌سازی‌های پیچیده و متنوعی از شاخه‌های مختلف علوم دینی، هنر، و علوم انسانی و

به کارگیری ابزارهای روش شناختی متنوع است که در این اثر به آن توجه نشده است. تاریخ‌نگاری فرهنگی بدن مسئله‌محور است. در واقع، مؤلفان براساس مسئله‌ای که در ذهن آنان یا در جامعه وجود داشته است به سراغ تاریخ و وقایع آن رفته‌اند؛ به این منظور که با محک‌زدن فرضیه‌های مختلف، پاسخی مناسب برای مسئله مدنظر بیابند. به همین دلیل، مؤلفان حضور پررنگی در اثر دارند و نقش آنان در فرایند تکوین و تحلیل رویدادها جدی و تعیین‌کننده است.

تنوع و تکرار موضوعی مطلب باعث شده تا نگاه به مسئله اصلی تحقیق ضعیف باشد؛ کتاب تاریخ فرهنگی بدن از نظر موضوعی و قلمرو پژوهش در حیطه تاریخ‌نگاری مشروطه قرار می‌گیرد که در آن نه تنها به اربابان قدرت، که به همه گروه‌های اجتماعی خاموش، مغلوب، و فراموش شده توجه شده است. این موضوع به وقوع انقلاب مشروطه و کنش‌گری گروه‌های مختلف اجتماعی در آن و حضور مردمان شهرهای مختلف در تاریخ و حوادث تاریخی یک‌صد سال پس از مشروطه برمی‌گردد. تاریخ‌نگاری مشروطه در واقع در زمینه سیاسی، اجتماعی، و فکری متفاوتی شکل می‌گیرد که در آن شاهد تغییر و تحول رعیت به ملت هستیم. در تاریخ‌نگاری مشروطه، رخدادهای سیاسی هم‌چنان اهمیت بالایی دارند، اما بسیاری از مؤلفه‌های دینی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی نیز از توجه جدی مورخان برخوردار شدند. مؤلفان این اثر ضمن برخورداری از ممیزات تاریخ‌نگاری مدرن تلاش کرده‌اند تا نگاه جامع‌الاطرافی نیز داشته باشند که متأسفانه در بخش‌های مهمی از کتاب چنین نگاهی مشاهده نمی‌شود.

#### ۲,۴ مراجعه اندک به منابع دست‌اول

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های قدرت یا ضعف هر اثر پژوهشی منابع و مراجعی است که مؤلف از آن‌ها استفاده می‌کند. مؤلفان در فصل اول، که به مباحث روش‌شناختی اختصاص دارد، به توصیف خود از نوع نگاهشان به منابع و روش‌های تحقیق پرداخته‌اند و بر این اصل تأکید دارند که بهره‌گیری از منابع گوناگون و ترکیبی از روش‌های مختلف را به‌کار می‌گیرند تا در بررسی تاریخی بدن در ایران به فهم دقیق‌تری دست یابند. اما در صفحات بعدی از منابع، به‌عنوان منابع کتب و مقالات و آنچه تجربه زیسته مؤلفان در مشاهدات روزمره خود در زمینه ارتباطات غیرکلامی گروه‌های اجتماعی است، اسم می‌برند که اولاً دسته‌بندی منابع از حیث اعتبار آنان به منابع دست‌اول و غیر آن صورت نگرفته و

دوم این که از منابع نوشتاری غالباً به رجوع به سفرنامه‌های خارجی و برخی متون ادبی و دینی اکتفا شده است. حوزه موضوعی و قلمرو پژوهشی تحقیق به حدی گسترده است که می‌توان منابعی به مراتب معتبرتر از منابع استفاده‌شده در اثر را معرفی کرد که در بسیاری از موارد ممکن است به نقض رویکرد مؤلفان نیز منجر شود.

### ۳,۴ دسته‌بندی ادوار تاریخ ایران به سه دوره نامتوازن

مؤلفان در فصل سوم کتاب، که به گفتمان‌های بدن در ایران اختصاص دارد، بدون توضیح درباره علل تقسیم‌بندی و دوره‌بندی تاریخ ایران، آن را به سه دوره کلی تقسیم کرده‌اند: عصر امپراتوری از هخامنشیان تا قاجارها؛ عصر مشروطیت از جنگ‌های ایران و روس تا پایان قاجاریه؛ و عصر سوم (آغاز گفتمان مدرنیته) از دوره پهلوی تاکنون. مؤلفان درباره استدلالی که باعث این نوع تقسیم‌بندی و کاربست آن درباره تاریخ ایران شده توضیحی نداده‌اند. در کتاب تاریخ فرهنگی بدن، اشاره شده که در دوره اول، که عصر امپراتوری نام گرفته، گفتمان بدن در همه این دوران متأثر از شرایط اقلیمی، ترکیب نژادی، سطح معیشت، و نوع سکونت افراد بوده و پیوند جدایی‌ناپذیر دین و سیاست، که در وجود شاهان متجلی بوده، همه تنوعات را معنادار می‌کرده است (ذکایی و امن‌پور ۱۳۹۱: ۱۱۱). قدرت سیاسی به تنظیم بایدها و نبایدهای زندگی مردان و زنان می‌پردازد و پادشاه نیروی جاذبه مرکز و عامل انسجام و دوام متن معرفی می‌شود (فلاندن ۱۳۵۶: ۵۶). به‌باور مؤلفان کتاب، اگر بدن در گفتمان پیشامدرن اعتبار خود را از جمع می‌گرفت و مفهومی فراتاریخی بود، در عصر مدرن بدن در پیکر هر شخص متجلی می‌شود و به امری تاریخ‌مند تبدیل می‌شود.

در این فصل، بیان شده که گفتمان مشروطه و سپس مدرنیته عصر پهلوی باعث تحول در پوشش و زینت‌آلات و نحوه کنترل و اعمال قدرت سیاسی بر بدن شده، اما بخش مهمی از مباحث آن شامل کلی‌گویی‌های تکراری است؛ مثلاً این که اولین گروه دانشجویان اعزامی ایران مأموریت یافتند در مدارس اروپایی پزشکی و مهندسی جدید بخوانند یا این که در عصر ناصری رشد شهرنشینی و آگاهی گروه کثیری از مردم باعث اعتراض‌های بیش‌تر به وضعیت جاری شد و انقلاب مشروطه حاصل تلاش و خواست عمومی مردم از هر قشر و طبقه‌ای بود (ذکایی و امن‌پور ۱۳۹۳: ۱۱۵-۱۱۶).

ادعای مؤلفان کتاب مبنی‌براین که مشروطیت برای اولین بار از شرع و سلطنت تقدس‌زدایی کرد سخنی بسیار کلی است و این که مشروطیت برای اولین بار عرف را بر

شرع مقدم می‌دانست و با قرارداد قانون بالاتر از پادشاه و قبله عالم به تقدس‌زدایی از سلطنت پرداخت در بسیاری از موارد با واقعیت‌های تاریخی مطابقت ندارد. این سخن ممکن است از آرمان‌های برخی مشروطه‌خواهان بوده باشد که رنگ واقعیت هم به خود نگرفت، اما قطعاً سخن همه مشروطه‌خواهان این نبود.

#### ۴,۴. تعمیم‌بخشیدن به امور تفریدی - تاریخی

دانش تاریخ علمی مربوط به امور منفرد و رخدادهایی است که یک بار رخ می‌دهند. بنابراین، از آنان با عنوان دانشی غیرتعمیمی یا تفریدی سخن به میان می‌آید. به این معنا که مورخ معمولاً یک دوره تاریخی را در نظر می‌گیرد و حوادث آن دوره را براساس آن تحلیل می‌کند و در مقایسه با سایر ادوار، هر دوره را خاص، متمایز، و منحصر به فرد می‌بیند. لذا دانش تاریخ دانشی تفریدی و در مقابل دانش‌های تعمیمی یا قانون‌مند است (ساروخانی ۱۳۷۷: ۲۱۲). با این حال، یکی از شایع‌ترین روش‌های مورد استفاده مورخان، و به‌ویژه کسانی که از دانش‌های علوم اجتماعی در صدد مطالعه و تحقیق تاریخی برمی‌آیند، روش تعمیمی با هدف بیان قوانین کلی تاریخ است. محدود نکردن موضوع پژوهش در کتاب تاریخ فرهنگی بدن به دوران معاصر باعث شده از دقت و عمق پژوهش کاسته شود و مؤلفان به بیان نظرهای کلی بسنده کنند. این امر باعث تعمیم‌بخشیدن به امور منفرد و یگانه تاریخی شده است؛ مثلاً در دوره قاجاریه و ساسانیان، طرز پوشش و آرایش ایرانیان به لحاظ ساختاری و معنایی با هم تفاوت‌هایی دارند و پرداختن به هر یک از منظر فرهنگ کاری بسیار وسیع‌تر از کل کتاب حاضر است. در حالی که با گسترده کردن محدوده زمان مورد مطالعه خطر هم‌سوپنداری یا هم‌شکل‌پنداری ساختاری و معنایی بدن در دوره‌های پیشین پژوهش را تهدید می‌کند.

#### ۵. نتیجه‌گیری

در نگاه کلی، کتاب توانسته مجموعه خوبی از یافته‌های تاریخی به شکل مستندات مانده عکس، سفرنامه، و کتاب‌های قدیمی گردآوری و آن‌ها را تحلیل کند که این امر نکته مثبت کتاب به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که در تمام کتاب، استنادات تاریخی به چشم می‌خورد. بخش اول کار تاریخ فرهنگی، یعنی استناد به مواد تاریخی در آن، به خوبی شکل گرفته است.

در مطالعات تاریخ فرهنگی، علاوه بر تمرکز بر دوره‌ای محدود، تأکید بسیار وجود دارد که آن دوره در تاریخ معاصر یک کشور یا جامعه واقع شده باشد. چنین نگاهی در ساختاربندی زمانی کتاب دیده نمی‌شود و مؤلفان گستره‌ای از تاریخ شاهان هخامنشی تاکنون را معیار زمانی برای تمرکز موضوع در نظر گرفته‌اند. همان‌طور که گفته شد، در این مسیر استندهای تاریخی فراوانی جمع‌آوری و تحلیل شده است، اما در دوره‌های قبلی تحلیل‌ها و نگرش‌ها به بدن به‌منزله «تاریخ فرهنگی بدن در ایران» تلقی می‌شود؛ زیرا در بسیاری موارد به بررسی سیر شکل‌گیری، تحول، تکامل، و دگرگونی و درواقع نوعی شناخت توصیفی - روایی از فرهنگ بدن پرداخته شده است. از سوی دیگر، محدودنگردن موضوع به دوران معاصر از دقت و عمق پژوهش می‌کاهد و به بیان نظرهای کلی بسنده می‌شود. چه این‌که به‌لحاظ داده‌های تاریخی می‌دانیم که مثلاً طرز پوشش لباس و آرایش ایرانیان در دوره‌های شاهان قاجاری و ساسانی، به‌لحاظ ساختاری و معنایی، تفاوت‌هایی با هم داشته و پرداختن به هرکدام از منظر فرهنگ کاری بسیار وسیع‌تر از کل کتاب حاضر است. درحالی‌که با گسترده‌کردن محدوده زمان مورد مطالعه خطر هم‌سپنداری یا هم‌شکل‌پنداری ساختاری و معنایی بدن در دوره‌های پیشین پژوهش را تهدید می‌کند.

## کتاب‌نامه

- اباذری، یوسف و نفیسه حمیدی (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی بدن و پاره‌ای مناقشات، پژوهش زنان، دوره ۶*، ش ۴.
- برایت، و. ن. (۱۳۵۴)، *تاریخ قرون وسطی*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- برک، پیتر (۱۳۸۹)، *تاریخ فرهنگی چیست؟*، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- بوردیو، پیر (۱۳۹۰)، *تمایز*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ثالث.
- تاسک، پتر (۱۳۷۷)، *سیر تحول عکاسی*، تألیف و ترجمه محمد ستاری، تهران: سمت.
- دریفوس، هیوبرت و پل رابینو (۱۳۷۹)، *میشل فوکو: فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نی.
- ذکایی، محمدسعید و مریم امن‌پور (۱۳۹۲)، *درآمدی بر تاریخ فرهنگی بدن در ایران*، تهران: تیسرا.
- رحمدل، غلامرضا و سهیلا فرهنگی (۱۳۸۷)، «پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در مطالعات ادب فارسی»، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی، س ۵، ش ۲۱.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

چرخش از بدن به مثابه امر الهیاتی به سوی رویکرد فرهنگی ... (محمدامیر احمدزاده) ۲۳

- طهماسب پور، محمدرضا (۱۳۸۱)، *ناصرالدین، شاه عکاس*، تهران: تاریخ ایران.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶)، *سفرنامه*، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراقی.
- فوکو، میشل (۱۳۷۸)، *مراقبت و تنبیه: تولد زندان*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهانزاده، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- لش، اسکات (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی پست‌مدرنیسم*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: مرکز.
- لطفی، تقی و محمدعلی علیزاده (۱۳۹۲)، *تاریخ تحولات اروپا در قرون جدید*، تهران: سمت.
- لو بروتون، داوید (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی بدن*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: ثالث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۰)، *حلیه المتقین*، تهران: هجرت.
- میرزایی، حسین (۱۳۹۳)، *درآمدی بر روش‌شناسی مطالعات فرهنگی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- وارن، جیمز (۱۳۹۶)، *مواجهه با مرگ*، ترجمه محمدعمار مفید، تهران: مولی.
- یزدخواستی، بهجت (۱۳۸۷)، «مفهوم بدن در اندیشه فلسفی مرلوپونتی و چالش‌های نظری در قرائت جامعه‌شناختی آن»، *مجله معرفت*، ش ۱۲۶.

Nettleton, Sarah and Jonathan Watson (1998), *The Body in Everyday Life*, London and New York: Routledge.

